



پیامد وضعیت امنیتی منطقه غرب آسیا (مصر و اردن)

پس از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳

مصطفی ذاکری^۱

۳۸

دوره ۱۰، شماره ۳، پیاپی ۳۸

پاییز ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۶/۱۴

صن: ۲۰۱-۲۳۳

شاپا چاپی: ۲۵۸۸-۴۵۶۵

الکترونیکی: ۳۸۱-۰۳۸۱



چکیده

تحولات امنیتی پس از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ موسوم به «طوفان الاقصی» در منازعه فلسطین-رژیم صهیونیستی، شرایط امنیتی منطقه غرب آسیا را دستخوش تغییرات عمیق و بی سابقه‌ای کرد. این مقاله به دنبال فهم دقیق پیامدهای این رویداد بر کشورهای مصر و اردن است؛ کشورهایی که به واسطه مجاورت جغرافیایی و روابط سیاسی-امنیتی با فلسطین اشغالی، در معرض تهدیدات پیچیده و فشارهای داخلی و منطقه‌ای قرار گرفتند. بر همین اساس، مقاله پیش رو به دنبال پاسخ به این سوال است که پیامدهای وضعیت امنیتی مصر و اردن پس از عملیات طوفان الاقصی چیست؟ این مقاله با بهره‌گیری از نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان و رویکرد توصیفی-تحلیلی، جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه‌های تخصصی و جلسات فوکوس گروپ (Focus Group) صورت پذیرفت تا ابعاد امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیامدهای طوفان الاقصی به صورت دقیق و چندبعدی بررسی شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که مصر و اردن با اتخاذ سیاست‌های افزایش آمادگی نظامی، مدیریت اعتراضات داخلی، حفظ تعادل دیپلماتیک و مقابله با تهدیدات ناشی از گروه‌های مسلح و فشارهای خارجی، تلاش کردند ثبات داخلی و امنیت منطقه‌ای خود را حفظ نمایند.

کلیدواژه‌ها: وضعیت امنیتی، غرب آسیا، عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، مصر، اردن، پیامدهای امنیتی.

۱. دانشجوی دکتری رشته امنیت ملی گرایش تهدیدات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
mozk172@gmail.com

مقدمه

تحولات امنیتی فلسطین پس از عملیات طوفان الاقصی در هفتم اکتبر ۲۰۲۳، شرایط امنیتی غرب آسیا را با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه کرده است. این رویداد که با حملات گسترده گروه‌های مقاومت فلسطینی (حماس، جهاد اسلامی و...) به رژیم صهیونیستی آغاز شد، نه تنها تنش‌های نظامی در نوار غزه و کرانه باختری را تشدید کرد، بلکه تأثیرات قابل توجهی بر وضعیت امنیتی منطقه غرب آسیا گذاشت.

عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ موسوم به «طوفان الاقصی» نه فقط صحنه منازعه فلسطین-رژیم صهیونیستی، بلکه کلیت محیط امنیتی منطقه غرب آسیا را دچار دگرگونی‌های اساسی ساخت. برخی معتقدند این عملیات یک شکاف عمیق در معماری امنیتی رژیم صهیونیستی ایجاد کرد و منطق بازدارندگی پیشین را که دهه‌ها برتری بلامنازع اسرائیل و انفعال گروه‌های مقاومت را تضمین می‌کرد به طور بی‌سابقه‌ای به چالش کشید. اما از نگاه برخی طرف‌ها همچون مارتین ایندیک^۱ و ایلان گلدنبرگ^۲، عملیات ۷ اکتبر، نه تنها یک شکست امنیتی برای اسرائیل بلکه آغازی بر «بازتعریف نقش و وزن بازیگران غیردولتی و منطقه‌ای» در توازن قوا بود و نشان داد که دیگر حفظ امنیت رژیم صهیونیستی از رهگذر قدرت سخت نظامی به تنهایی ممکن نیست (ایندیک و گلدنبرگ، ۲۰۲۳).

در این فضا، منازعه فلسطین-رژیم صهیونیستی به نقطه کانونی تحولات امنیتی غرب آسیا تبدیل شد. عملیات مذکور نه تنها سطح خشونت، جابجایی جمعیت و تلفات انسانی را بی‌سابقه ساخت، بلکه به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر راهبردها و الگوهای امنیتی سایر بازیگران، اعم از کشورها و گروه‌های نظامی-سیاسی منطقه، تأثیر گذاشت. تغییر در مدل کنشگری مقاومت، از وضعیت تدافعی به آفندی، گسترش میدان نبرد از غزه به عمق مناطق اشغالی و فراتر، مدل‌های سنتی قدرت را با بحران مشروعیت مواجه کرد و روند تحولات سیاسی، امنیتی و حتی ژئوپلیتیکی را دگرگون ساخت (السید و الناصر، ۲۰۲۳).

در شرایطی که این تحول، یک «زلزله امنیتی» در منطقه غرب آسیا می‌باشد، همچنان این پرسش مطرح است که آیا شرایط جدید حاصل از عملیات ۷ اکتبر، حلقه‌های بازدارندگی، اقدامات و هندسه روابط دو کشور پیرامونی منازعه فلسطین-رژیم صهیونیستی یعنی مصر و اردن را به طور

1 Martin Indyk

2 Yelan Goldenberg

بنیادین متحول ساخته است؟ و پیامدهای میان‌مدت و بلندمدت آن بر نظم و اقدامات امنیتی مصر و اردن چه خواهد بود؟

بر همین اساس، این پژوهش به دنبال بررسی پیامدهای امنیتی این رویداد بر دو کشور پیرامونی اراضی اشغالی یعنی مصر و اردن در محدوده زمانی ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا آتش‌بس موقت در نوار غزه در ژانویه ۲۰۲۴ می‌باشد. در همین راستا سوال اصلی پژوهش آن است که، پیامد وضعیت امنیتی مصر و اردن پس از عملیات طوفان الاقصی چیست؟
سوالات فرعی نیز عبارتند از:

- ۱- سیاست‌ها و اقدامات کشور مصر پس از عملیات طوفان الاقصی چه بوده است؟
 - ۲- کشور اردن پس از عملیات طوفان الاقصی چه سیاست‌ها و اقداماتی اتخاذ کرده است؟
- ۱- پیشنهاد تحقیق:
- تحقیقات نزدیک به این مقاله اعم از رساله‌های دکتری و پایان نامه‌های مقطع کارشناسی ارشد، پروژه‌ها و مقالات به شرح ذیل است:
- ۱-۱- رساله‌های دکتری: با توجه به محدوده زمانی رخداد ۷ اکتبر تا پایان نگارش این مقاله، رساله دکتری در این خصوص تهیه و منتشر نشده است.
 - ۱-۲- پروژه‌های تحقیقاتی: با توجه به محدوده زمانی رخداد ۷ اکتبر تا پایان نگارش این پژوهش، پروژه تحقیقاتی نیز در این خصوص یافت نشد.
 - ۳-۱- مقالات علمی- پژوهشی داخلی و خارجی:

عنوان	واکاوای پیامدهای طوفان الاقصی بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی
نویسنده	امیررضا مقومی
سال و محل انتشار	۱۴۰۳، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران
سؤال اصلی	عملیات طوفان الاقصی چه پیامدهایی بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی داشته است؟
فرضیه	عملیات گروه‌های فلسطینی در ۷ اکتبر، پیامدهای منفی بر امنیت ملی رژیم صهیونیستی در ابعاد مختلف داشته است.
نتایج تحقیق	عملیات طوفان الاقصی تبعات داخلی و منطقه‌ای برای رژیم صهیونیستی داشته و امنیت ملی این رژیم را در ابعاد گوناگون تحت‌الشعاع قرار داده است.

وجوه افتراق و اشتراک با عنوان مقاله فعلی	اشتراک: بررسی تأثیر عملیات طوفان الاقصی بر امنیت منطقه. افتراق: تمرکز بر رژیم صهیونیستی، در حالی که این پژوهش به بررسی تأثیرات بر کشورهای مختلف منطقه می‌پردازد.
---	--

عنوان	پیشران‌های عملیات طوفان الاقصی با تأملی در ریشه واقعی بحران فلسطین
نویسنده	علی‌اکبر نادری
سال و محل انتشار	۱۴۰۲، هشتمین همایش بین‌المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و علوم اجتماعی
سؤال اصلی	عوامل و پیشران‌های مؤثر در اجرای موفق عملیات طوفان الاقصی چیست؟
فرضیه	عملیات طوفان الاقصی نتیجه عوامل داخلی و منطقه‌ای متعددی است.
نتایج تحقیق	عملیات طوفان الاقصی با وارد ساختن ضربات راهبردی بر ساختارهای رژیم صهیونیستی، شرایط جدیدی را در فلسطین اشغالی به وجود آورده است.
وجوه افتراق و اشتراک با عنوان مقاله فعلی	اشتراک: بررسی عملیات طوفان الاقصی و تأثیرات آن. افتراق: تمرکز بر پیشران‌های عملیات، در حالی که این تحقیق به تأثیرات امنیتی منطقه‌ای می‌پردازد.

عنوان	"تأثیر ژئوپلیتیکی عملیات طوفان الاقصی بر خاورمیانه"
نویسنده	مایکل آر. جانسون، سارا ای. تامپسون
سال و محل انتشار	2023، مجله بین‌المللی مطالعات خاورمیانه
سؤال اصلی	"عملیات طوفان الاقصی چگونه دینامیک‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه را دوباره شکل داده است؟"
فرضیه	این عملیات منجر به تغییر قابل توجهی در موازنه قدرت منطقه‌ای، به‌ویژه بین ایران، ترکیه و اسرائیل شده است.
نتایج تحقیق	این مطالعه نشان می‌دهد که عملیات طوفان الاقصی رقابت‌های بین قدرت‌های منطقه‌ای را تشدید کرده و منجر به تشکیل اتحادهای جدید و درگیری‌ها شده است. همچنین نقش بازیگران غیردولتی مانند حزب‌الله و حماس در شکل‌دهی به دینامیک‌های پس از عملیات را برجسته می‌کند.
وجوه افتراق و اشتراک با عنوان مقاله فعلی	هر دو بر تأثیر ژئوپلیتیکی عملیات طوفان الاقصی تمرکز دارند. این تحقیق بر دینامیک‌های ژئوپلیتیکی کلی تمرکز دارد، در حالی که رساله حاضر به وضعیت امنیتی کشورهای خاص می‌پردازد.

۴-۱- جمع بندی پیشینه ها:

با تأمل در آثار معرفی شده می توان پیشینه های ارائه شده را در سه بخش کلی دسته بندی کرد که هر بخش به بحث های خاصی پیرامون عملیات طوفان الاقصی و تأثیرات آن پرداخته اند:

- تأثیر عملیات طوفان الاقصی بر امنیت منطقه ای و موازنه قدرت: این پژوهش ها به تغییرات بنیادین در موازنه قدرت منطقه ای پس از عملیات طوفان الاقصی پرداخته اند. به عنوان مثال، نقش محور مقاومت در تضعیف رژیم صهیونیستی و تقویت موقعیت گروه های مقاومت مورد تحلیل قرار گرفته است. برخی مطالعات نیز به تأثیر این عملیات بر معادلات امنیتی کشورهای منطقه (مانند سوریه، لبنان، و عراق) پرداخته اند و نشان داده اند که لبنان به طور فزاینده ای در معادلات منطقه ای دخیل شده است.
- پیشران ها و علل رخداد طوفان الاقصی: در این راستا برخی مطالعات به بررسی علل و پیشران های اصلی عملیات طوفان الاقصی پرداخته اند. به عنوان مثال، نقش حمایت اقتصادی غرب از اسرائیل، فقدان نمایندگی دولت خودگردان فلسطین، و گرایش های سازش کارانه برخی دولت ها مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین، نقش بازیگران غیردولتی (مانند حزب الله و حماس) در شکل دهی به استراتژی های نظامی و تشدید تنش های منطقه ای مورد توجه قرار گرفته است.
- پیامدهای انسان دوستانه و اقتصادی عملیات طوفان الاقصی: در این راستا برخی مطالعات به پیامدهای انسان دوستانه عملیات طوفان الاقصی پرداخته اند. به عنوان مثال، جابجایی های گسترده جمعیت، تخریب زیرساخت ها، و بحران های انسانی در مناطق درگیر مانند غزه و لبنان مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین، پیامدهای اقتصادی عملیات (مانند ناپایداری اقتصادی، تورم، و اختلالات تجاری) در کشورهای منطقه مورد توجه قرار گرفته است.

۵-۱- نقاط مغفول واقع شده در پژوهش های قبلی:

مطالعات موجود غالباً بر یک کشور یا یک جنبه خاص (مانند امنیت رژیم صهیونیستی، نقش بازیگران غیردولتی، یا پیامدهای انسان دوستانه) تمرکز دارند و تحلیلی یکپارچه از تأثیرات عملیات طوفان الاقصی بر کشورهای مختلف منطقه ارائه نشده است. همچنین مطالعات موجود بیشتر بر جنبه های نرم (مانند گفت و من ها و روایت ها) یا پیامدهای انسان دوستانه تمرکز دارند و به تحلیل

ساختاری و تحولات نظامی-سیاسی کشورهای منطقه کمتر پرداخته‌اند. مطالعات موجود بیشتر به صورت کلی و نظری هستند و مطالعات موردی از کشورهای خاص کمتر انجام شده است.

۱-۶- نوآوری‌های این مقاله:

این تحقیق به بررسی تأثیرات عملیات طوفان الاقصی بر دو کشور پیرامونی فلسطین اشغالی یعنی مصر و اردن که اثرگذاری و اثرپذیری از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ داشتند، می‌پردازد و تحلیلی جامع و یکپارچه در این خصوص ارائه می‌دهد.

۲- مبانی نظری:

اگر بخواهیم پیامدهای امنیتی منطقه غرب آسیا پس از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ را مورد ارزیابی و تحلیل صحیح قرار دهیم، می‌بایست در ابتدا آراء مکاتب و نظریه‌های امنیتی در این باره مورد بحث قرار گیرد. لذا برای تحلیل تأثیر وضعیت فلسطین پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بر ترتیبات امنیتی منطقه غرب آسیا به ویژه کشورهای مصر و اردن، نظریه امنیت منطقه ای باری بوزان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، این نظریه که توسط باری بوزان مطرح شده، بیان می‌کند که امنیت یک کشور به امنیت کشورهای همسایه وابسته است.

امنیت منطقه‌ای به وضعیتی اشاره دارد که در آن کشورهای یک منطقه از تهدیدات نظامی، سیاسی و اقتصادی محافظت می‌شوند و تغییرات در یک کشور بر امنیت کشورهای همسایه تأثیر می‌گذارد (بوزان و ویور، ۲۰۰۳، صفحه ۴۵). لذا نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان یکی از چارچوب‌های کلیدی در تحلیل امنیت روابط بین‌الملل است که بر ارتباط متقابل امنیت کشورهای همسایه در یک منطقه جغرافیایی تأکید دارد. این نظریه بر این اصل استوار است که امنیت یک کشور به طور مستقیم به امنیت کشورهای پیرامون خود وابسته است و تغییرات امنیتی در یک کشور، اثرات گسترده‌ای بر کشورهای همسایه به دنبال خواهد داشت. از این رو، امنیت را نمی‌توان صرفاً امری ملی دانست بلکه به عنوان پدیده‌ای منطقه‌ای باید بررسی شود.

بر اساس این نظریه، ناامنی‌های به وجود آمده در نوار غزه و کرانه باختری، زنجیره‌ای از تهدیدات و اقدامات امنیتی را در مصر و اردن به راه انداخته است که نمایانگر وابستگی امنیتی و تأثیر متقابل شرایط منطقه‌ای است. تغییرات در موازنه قدرت بین محور مقاومت، رژیم صهیونیستی

و بازیگران منطقه‌ای، راهبردهای امنیتی و بازدارندگی این کشورها را بازتعریف کرده و آنها را مجبور به اتخاذ سیاست‌هایی کرده که حفظ ثبات منطقه‌ای هم به عنوان هدفی کلیدی در آنها دیده می‌شود. بنابراین، نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان چارچوبی جامع و لازم برای تحلیل پیامدهای عملیات ۷ اکتبر بر ترتیبات امنیتی کشورهای پیرامونی فلسطین است و امکان درک ابعاد میان‌مدت و بلندمدت این تحولات را در بستر امنیت فراملی و منطقه‌ای فراهم می‌سازد. این نظریه بستر نظری مناسبی برای تحلیل جایگاه مصر و اردن در پویایی‌های جدید امنیتی خاورمیانه پس از طوفان الاقصی است.

باری بوزان در نظریه امنیت منطقه‌ای خود بر این اصل تاکید دارد که امنیت یک کشور به طور مستقیم به امنیت کشورهای پیرامون خود وابسته است. به عبارت دیگر، امنیت ملی را نمی‌توان به صورت جداگانه و در خلاء بررسی کرد، بلکه باید آن را در چارچوب گسترده‌تر منطقه‌ای که کشور در آن واقع شده، تحلیل کرد. این نظریه مبتنی بر این فرض است که تحولات امنیتی در یک کشور، به سرعت و به صورت زنجیره‌ای بر کشورهای همسایه اثر می‌گذارد و ترتیبات امنیتی منطقه‌ای شکل می‌گیرند که مهم‌ترین ساحت تحلیل امنیت بین‌الملل را تشکیل می‌دهند.

باری بوزان و اولاف وافر، به طور کامل این نظریه را تشریح می‌کند و با تحلیل مثال‌های تاریخی و معاصر به بررسی نحوه شکل‌گیری و تعامل امنیتی در مناطق مختلف جهان می‌پردازد. بر اساس این نظریه، منطقه جغرافیایی یک واحد امنیتی خودکفا و کلان است که بازیگران آن در تعامل و تأثیرگذاری امنیتی متقابل قرار دارند و چالش‌ها یا تهدیدات امنیتی، منحصراً قابل فهم از منظر منطقه‌ای هستند. در این نظریه نکاتی کلیدی به شرح ذیل وجود دارد:

امنیت منطقه‌ای به مثابه واحد تحلیلی اصلی: بوزان مفهوم امنیت ملی را به سطح منطقه‌ای گسترش می‌دهد و تأکید می‌کند که امنیت یک کشور به شدت به امنیت کشورهای همسایه و ساختار کلی امنیتی منطقه وابسته است. برخلاف نظریه‌های کلاسیک که امنیت را صرفاً امری ملی می‌دانند، امنیت منطقه‌ای به عنوان یک پدیده فراملی است که بر روابط متقابل کشورها در یک ناحیه جغرافیایی تاکید دارد.

تأثیر متقابل امنیتی: تغییر در وضعیت امنیتی یک کشور داخل منطقه، زنجیره‌ای از تأثیرات را بر امنیت سایر کشورها ایجاد می‌کند. این تأثیرات ممکن است امنیت یا ناامنی را در کل منطقه گسترش دهد و ساختارهای امنیتی را متحول کند.

تعریف مناطق امنیتی: یک منطقه جغرافیایی مانند خاورمیانه، اروپا یا شرق آسیا به عنوان یک واحد امنیتی و استراتژیک دیده می‌شود که در آن پویایی‌های امنیتی نسبت به سایر مناطق مستقل و متفاوت است.

تنوع عاملان و امنیت چندسطحی: امنیت منطقه‌ای نه تنها به دولت‌ها، بلکه به بازیگران میان‌دولتی، فراملی، و حتی غیردولتی توجه دارد. این نظریه پذیرفته که بازیگران فرامنطقه‌ای و غیرحکومتی نقش فزاینده‌ای در امنیت منطقه‌ای بازی می‌کنند.

ساختار نظم امنیتی منطقه‌ای: نظریه بوزان تأکید می‌کند که نظم امنیتی در مناطق عمدتاً از طریق تعاملات متقابل بین قدرت‌ها، اتحادها و ساختارهای امنیتی شکل می‌گیرد و می‌تواند به ثبات یا تنش در منطقه بیانجامد.

این نظریه با توجه به ماهیت پیچیده و چندلایه امنیتی خاورمیانه، بویژه در نگاه به تحولات ناشی از عملیات‌هایی مانند «طوفان الاقصی»، اهمیت زیادی دارد. چرا که حادثه‌ای همچون طوفان الاقصی نه تنها امنیت فلسطین و اسرائیل بلکه نظم امنیتی کل منطقه و کشورهای پیرامونی را دچار دگرگونی می‌کند.

به عنوان مثال، ناامنی در نوار غزه، به طور مستقیم بر امنیت کشورهای همجوار همچون مصر و اردن تأثیر می‌گذارد و واکنش‌های امنیتی و سیاسی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این تحولات زنجیره‌ای، دریافت امنیت را از سطح ملی به امنیت منطقه‌ای ارتقا می‌بخشد و تحلیل آن بدون چارچوب امنیت منطقه‌ای بوزان ناقص خواهد بود. امنیت را نمی‌توان صرفاً امری ملی در نظر گرفت بلکه باید آن را به مثابه پدیده‌ای فراملی و منطقه‌ای دید که در آن بازیگران مختلف امنیتی نه به صورت مجزای ملی بلکه به صورت یک کل متصل و بسیار پیچیده، در تعامل و تأثیر متقابل قرار دارند.

۳- روش شناسی تحقیق:

۳-۱- نوع و روش تحقیق: پژوهش حاضر از نوع کاربردی با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. در این مطالعه، به منظور سنجش پیامدهای تحولات امنیتی کشورهای مصر و اردن پس از عملیات طوفان الاقصی، از روش های جمع آوری داده های کتابخانه ای و میدانی استفاده شده است. از جمله روش های میدانی، فوکوس گروپ (FocusGroup) به عنوان یک ابزار کیفی برای درک عمیق تر از دیدگاه ها و تجربیات متخصصان و کارشناسان امنیتی به کار گرفته شده است.

در این تحقیق، از تحلیل محتوا برای بررسی اسناد، گزارش ها، مقالات علمی و منابع کتابخانه ای مرتبط با تحولات امنیتی منطقه، از تحلیل مضمون برای شناسایی و تحلیل مضامین اصلی مرتبط با وضعیت امنیتی هر کشور و از فوکوس گروپ (Focus Group) به عنوان یک ابزار کیفی برای جمع آوری داده های میدانی از کارشناسان و متخصصان امنیتی مورد استفاده قرار گرفته است.

روش فوکوس گروپ یکی از تکنیک های کیفی پژوهش است که برای جمع آوری داده ها از طریق برگزاری جلسه های گروهی با حضور کارشناسان و خبره های موضوع مرتبط به کار می رود. بر اساس نظر آقای حافظ نیا، این روش امکان تبادل نظر و هم اندیشی میان شرکت کنندگان را فراهم می کند تا از زوایای مختلف، ابعاد پدیده مورد بررسی به دست آید. در واقع فوکوس گروپ علاوه بر جمع آوری داده های عمیق، به شناسایی نگرش ها، تجربیات و دیدگاه های تخصصی در حوزه پژوهش کمک می کند و ظرفیت بالایی برای تحلیل موضوعات پیچیده و چندوجهی دارد.

در پژوهش حاضر که به بررسی پیامد وضعیت امنیتی مصر و اردن پس از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ می پردازد، روش فوکوس گروپ نقش کلیدی در درک بهتر تحولات امنیتی ایفا کرده است. با بهره گیری از جلسات هم اندیشی با ۱۰ کارشناس و خبره امنیتی، این پژوهش توانسته است اطلاعات کیفی ارزشمندی درباره تأثیرات منطقه ای، واکنش های سیاسی و راهبردهای امنیتی کشورهای مورد مطالعه گردآوری نماید. این تعامل تخصصی کمک کرده است تا داده های کتابخانه ای و اسناد تحلیل شده، با بینش های عمیق تر تلفیق شده و تحلیل جامع تری از وضعیت امنیتی ارائه شود.

ارتباط روش فوکوس گروپ با اهداف این مطالعه در ایجاد فهم چندبعدی و دقیق از پیچیدگی های امنیتی منطقه آشکار می گردد. این روش علاوه بر فراهم کردن بستری برای همفکری متخصصان، امکان شناسایی مضامین و الگوهای پنهان امنیتی را که در داده های منفرد ممکن است

دیده نشود، فراهم می‌سازد. از این رو، به عنوان یک ابزار میدانی، به پژوهش عمق داده و ارزش تحلیلی بخشیده و موجب ارتقاء کیفیت نتایج متنا سب با ماهیت پیچیده و پویا تحولات امنیتی پس از عملیات ۷ اکتبر شده است.

۲-۳- قلمرو تحقیق: قلمرو زمانی تحقیق از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (شروع طوفان الاقصی) تا آتش بس جنگ غزه و لبنان در ژانویه ۲۰۲۴ و قلمرو مکانی کشورهای مصر و اردن می‌باشد.

۳-۳- جامعه آماری: شامل تمام منابع قابل دسترس کتابخانه‌ای، گزارش‌ها و مقالات علمی است که به تحولات امنیتی غرب آسیا پس از طوفان الاقصی پرداخته‌اند. این منابع شامل کتاب‌ها و مقالات علمی در زمینه امنیت منطقه‌ای، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی (سازمان ملل، اتحادیه اروپا)، گزارش‌های اطلاعاتی معتبر و افراد مورد مصاحبه نیز شامل، مشاوران مطلع (افرادی که اطلاعات دقیق و تخصصی درباره تحولات امنیتی منطقه دارند)، فرماندهان میدانی (افرادی که به طور مستقیم در میدان عملیات‌ها حضور داشته‌اند و تجربیات عملی از تحولات امنیتی دارند) خواهد بود.

۴-۳- حجم نمونه و روش نمونه‌گیری: به دلیل ماهیت کتابخانه‌ای تحقیق، نمونه‌گیری انجام نمی‌شود و تمام منابع مرتبط که قابلیت دسترسی داشته باشند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. حجم نمونه برای مصاحبه برای هر کشور تا اشباع نظری می‌باشد (بر اساس دسترسی و تخصص افراد). روش نمونه‌گیری نیز از نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب منابع کتابخانه‌ای و افراد مورد مصاحبه استفاده می‌شود تا منابع مرتبط با اهداف تحقیق (مانند وضعیت امنیتی هر کشور) انتخاب شوند. افراد مورد مصاحبه باید دارای تخصص، تجربه و دانش عملی در حوزه تحولات امنیتی باشند.

۵-۳- روش و ابزار گردآوری داده‌ها: اسناد کتابخانه‌ای (استفاده از کتاب‌ها، مقالات علمی، و پایان‌نامه‌ها) و مصاحبه (جمع‌آوری داده‌های کیفی از مشاوران مطلع و فرماندهان میدانی بر اساس دسترسی و تخصص افراد).

۶-۳- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: تحلیل محتوا برای استخراج الگوها و مضامین اصلی از اسناد و گزارش‌ها- تحلیل مضمون، برای شناسایی و تحلیل مضامین اصلی مرتبط با وضعیت امنیتی هر کشور- تحلیل محتوای مصاحبه، برای استخراج اطلاعات کیفی از مصاحبه‌ها و ترکیب آن‌ها با داده‌های کتابخانه‌ای- روش آمیخته، برای ترکیب داده‌های کیفی برای تحلیل جامع‌تر وضعیت امنیتی.

روند تجزیه و تحلیل تحقیق با رویکردی کیفی و ترکیبی به صورت مرحله‌ای و منظم انجام شد تا ابعاد گسترده پیامدهای اقدامات و سیاست‌های مصر و اردن پس از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به دقت شناسایی و تحلیل گردد. در ابتدا، از طریق مصاحبه‌های جداگانه با متخصصان، کارشناسان امنیتی و فعالان میدانی هر دو کشور، مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات کلیدی شناسایی و مستند گردید. این مصاحبه‌ها که با رعایت اصول نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفت، مبنای اولیه برای استخراج پیامدهای فردی و جمعی این سیاست‌ها ایجاد کرد.

در مرحله بعد، با برگزاری جلسات هم‌اندیشی و فوکوس گروپ بین کارشناسان و خبرگان منطقه‌ای، ضمن بررسی و نقد مجموعه یافته‌های اولیه، پیامدهای کلان‌تر و اثرات پیچیده‌تری که در مراحل مصاحبه‌ها کمتر به آن پرداخته شده بود، شناسایی و به لیست نهایی افزوده شد. در این جلسات تعامل و تبادل نظر میان اعضا، افزون بر تأیید بخش عمده‌ای از نتایج اولیه، باعث شیوایی و تعمیق تحلیل‌ها شد. به عنوان نمونه، پیامدهایی همچون تغییرات در پویایی امنیت منطقه‌ای و افزایش همکاری‌های امنیتی مخفی بین دو کشور پس از عملیات، توسط اعضای گروه در این مرحله اضافه و تحلیل شد.

به طور کلی، این فرآیند ترکیبی تحلیل محتوا، مصاحبه‌های تخصصی و روش فوکوس گروپ، امکان بررسی جامع، عمیق و چندبعدی پیامدهای امنیتی و سیاسی را فراهم کرد و به تولید تحلیلی منسجم، علمی و معتبر انجامید که بازتاب دقیق واقعیت‌های میدانی و سیاست‌های دو کشور در شرایط سخت و پیچیده پس از عملیات طوفان الاقصی است. این رویکرد روشمند، پذیرفته شده بودن یافته‌ها را در جامعه کارشناسی و مخاطبین پژوهش تضمین می‌کند.

۴- ادبیات و یافته‌های تحقیق:

قبل از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، کشورهای مصر و اردن با چالش‌های امنیتی متفاوتی روبرو بودند. مصر پس از دهه‌ها درگیری‌های منطقه‌ای و جنگ‌های متعدد با اسرائیل، وضعیت نسبتاً متعادلی در مرزهای خود به ویژه در صحرای سینا داشت، هرچند تهدیداتی از سوی گروه‌های مسلح و شورشیان وجود داشت که باعث تدابیر امنیتی گسترده در این مناطق شده بود. همچنین روابط مصر با اسرائیل بر پایه پیمان صلح ۱۹۷۹ موسوم به معاهده کمپ دیوید، باعث کاهش درگیری‌های

مستقیم شده بود، اما نگرانی‌ها از تهدیدات منطقه‌ای و امنیت داخلی همچنان باقی مانده بود. در اردن نیز شرایط امنیتی به دلیل همجواری با اراضی فلسطین اشغالی پیچیده بود و این کشور تحت فشارهای داخلی و منطقه‌ای برای حمایت از فلسطینیان و حفظ ثبات مسیر دیپلماتیک خود با اسرائیل قرار داشت. در هر دو کشور، تهدیدات امنیتی عمدتاً از ناحیه گروه‌های مسلح و تنش‌های منطقه‌ای ناشی می‌شد که نظم و ثبات داخلی را به چالش می‌کشید.

پس از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، وضعیت امنیتی مصر و اردن به شدت متحول شد و هر دو کشور با موجی از فشارها، تهدیدات و ناآرامی‌های داخلی و منطقه‌ای مواجه گردیدند که در ادامه به هر یک به صورت مجزا خواهیم پرداخت.

به طور کلی، طوفان الاقصی موجب شد مصر و اردن در حساس‌ترین برهه امنیتی خود قرار گیرند، که پیامدهایی گسترده و پیچیده برای ثبات منطقه‌ای و راهبردهای سیاسی این دو کشور به دنبال داشت. این تحولات نشان‌دهنده بحرانی شدن فضای امنیتی مصر و اردن پس از ۷ اکتبر و ورود آنها به دوره‌ای پرتنش و حساس در منطقه بود.

۱-۴- وضعیت امنیتی مصر پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳

پس از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳، وضعیت امنیتی مصر به دلیل موقعیت جغرافیایی حساس و مرزهای مشترک با نوار غزه دستخوش تغییرات عمیق و قابل توجهی شد. مصر به عنوان کشور همسایه مستقیم غزه، با تهدیدات گسترده‌ای از جمله احتمال کوچاندن اجباری فلسطینیان به داخل خاک خود، افزایش فعالیت گروه‌های مسلح و تشدید تنش‌های سیاسی و اجتماعی داخلی مواجه گردید. بر اساس تحلیل‌های موثق، دولت قاهره ضمن تشدید تدابیر امنیتی در مناطق مرزی سینا و رفح، به دنبال افزایش نقش خود در مدیریت بحران غزه و جلوگیری از گسترش بی‌ثباتی به داخل کشور بود. (محمدی و همکاران، ۱۴۰۳)

مذاکرات آتش‌بس و همکاری امنیتی با طرف‌های مختلف از جمله حماس و اسرائیل بخشی از تلاش‌های مصر برای حفظ ثبات منطقه‌ای بوده است. همچنین، مصر برنامه‌هایی را برای آموزش و آماده‌سازی حدود پنج هزار نیروی فلسطینی جهت اداره امنیت نوار غزه پس از جنگ آغاز کرده تا خلا امنیتی این منطقه را پر کند و از نفوذ گروه‌های افراطی جلوگیری نماید. این اقدامات با هدف حفظ امنیت ملی و مقابله با تهدیدات تروریستی در سینا و مرزها صورت گرفته است. از دیگر

جنبه‌های مهم، افزایش فشارهای سیاسی و مالی آمریکا و اسرائیل بر مصر برای پذیرش آوارگان فلسطینی و توافقی‌های امنیتی بود که به چالش‌های مضاعفی در سیاست داخلی و روابط خارجی مصر منجر شد. (السعيد، ۲۰۲۲)

علاوه بر این، وضعیت امنیتی مصر پس از ۷ اکتبر با نگرانی‌هایی از سوی نهادهای اطلاع‌رسانی و امنیتی بابت تقویت گروه‌های جهادی در صحرای سینا و تلاش اسرائیل برای ایجاد کمربندی امنیتی خاص در این منطقه همراه بود که مصر به شدت با این طرح مخالفت کرد و آن را تهدیدی برای حاکمیت خود دانست. این موضوع موید پیچیدگی و شدت تهدیدات امنیتی پیش روی مصر است که در سطح داخلی و بین‌المللی حساسیت و چالش‌های زیادی ایجاد کرده است. در مجموع، وضعیت امنیتی مصر پس از عملیات طوفان الاقصی، ترکیبی از تشدید تدابیر نظامی و دیپلماتیک، تلاش برای حفظ ثبات داخلی و مقابله با تهدیدات جهادی و تروریستی است که همچنان به عنوان یکی از کانون‌های مهم امنیتی منطقه به شمار می‌رود و اثرگذاری بالایی بر تحولات خاورمیانه دارد. (صادقی، ۱۴۰۲)

با آغاز جنگ اسرائیل علیه نوار غزه در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، روابط مصر و اسرائیل شاهد نوعی تنش بود که در ابتدا، تصمیم مصر برای عدم محکومیت رسمی حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ توسط حماس، خشم مقامات اسرائیلی را برانگیخت. رفته رفته با توجه به تشدید نبرد طوفان الاقصی، مباحثی پیش آمد که در افزایش این تنش نقش آفرین بود. اولین مسأله، اظهارات متعدد مقامات اسرائیلی و همچنین طرح‌های اسرائیلی - آمریکایی برای انتقال فلسطینیان نوار غزه به صحرای سینا بود که با واکنش شدید مصر روبرو بود. اما فقط این مسأله نبود. علائم هشداردهنده از زمانی آغاز شد که بمباران گذرگاه مرزی رفح بین غزه و مصر توسط اسرائیل و پیشروی نیروی زمینی این رژیم به سوی آن صورت گرفت. مصر بارها و بارها به اسرائیل در مورد قصد این رژیم برای اقدام نظامی برای اشغال محور فیلادلفیا در مجاورت مرز مصر و هرگونه موج آوارگی فلسطینیان اظهار نظر کرد و هشدار داد. (العوينی، ۲۰۲۳) از سوی دیگر، قاهره به طور جدی به خروج سفیر خود از تل آویو فکر کرد و عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر چندین تلاش نتانیاهاو برای گفتگو با خود را رد نمود. (نادری، ۱۴۰۲)

با وجود همه اختلافات و تنش‌ها، منافع مشترک زیادی بین اسرائیل و مصر وجود داشت؛ از جمله تثبیت مصر به عنوان میانجی و بازیگر اصلی در تثبیت واقعیت آینده در نوار غزه، مهار قدرت محور مقاومت در خاورمیانه و همچنین جلوگیری از هرج و مرجی که ممکن است نوار غزه را به پایگاهی برای صدور مقاومت و همچنین اقدامات گروه‌های سلفی - جهادی و سلفی - تکفیری علیه اسرائیل و مصر تبدیل کند. (قادری کنگاوری، ۱۴۰۳)

در مصر، افزایش تدابیر امنیتی در صحرای سینا و مرزهای غزه تشدید شد و تهدیدهای ناشی از احتمال جابه‌جایی اجباری فلسطینیان به داخل خاک این کشور، نگرانی‌های امنیتی جدیدی را ایجاد کرد. همچنین اعتراضات مردمی شدید با محوریت حمایت از فلسطین در قاهره و دیگر شهرهای مصر به وقوع پیوست که با سرکوب‌های امنیتی همراه بود. سیاست‌های امنیتی سختگیرانه‌تری اعمال شد تا از احتمال گسترش درگیری‌ها و هنوز کوچ اجباری فلسطینیان جلوگیری شود. فشارهای داخلی ناشی از اعتراضات مردمی در حمایت از فلسطین و همزمان فشارهای سیاسی و مالی آمریکا و اسرائیل برای پذیرش بخشی از آوارگان فلسطینی، موقعیت مصر را در عرصه منطقه‌ای بسیار پیچیده کرد؛ چنانکه مصر به واسطه حفظ پیمان صلح با اسرائیل و مدیریت نقش میانجی‌گری خود با چالش‌های فراوانی مواجه شد. (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۳)

یکی از دلایل تنش در روابط مصر و اسرائیل در حادثه ۷ اکتبر و نبرد طوفان الأقصى و تحولات پس از آن، اظهاراتی در اسرائیل و آمریکا مبنی بر قصد این رژیم برای انتقال اجباری فلسطینی‌ها از نوار غزه به سینا همراه با درز اطلاعات و طرح‌ها و نقشه‌هایی در اسرائیل در این راستا بود. اسرائیل عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس و شروع نبرد طوفان الأقصى را فرصتی در راستای اسکان فلسطینیان نوار غزه در صحرای سینا بر اساس طرح معامله قرن می‌دانست که سال ۲۰۲۰ توسط دولت آمریکا برای حل و فصل مسئله فلسطین مطرح شد. در طرح معامله قرن، سینا به عنوان وطن جایگزین فلسطینیان نوار غزه مطرح شده است. بر همین اساس، سناریوی اصلی اسرائیل در این جنگ، «ایجاد یک بحران گسترده علیه نوار غزه در تمامی ابعاد بود تا فلسطینیان مجبور به تخلیه نوار غزه شده و به صحرای سینا منتقل شوند.» رفتار اسرائیل در این نبرد نیز، تا حد زیادی گویای همین سناریو می‌باشد. (جیسون و تامسون، ۲۰۲۳)

از زمان عقب‌نشینی یکجانبه اسرائیل از نوار غزه در سال ۲۰۰۵ و انعقاد توافقنامه‌ای موسوم به «توافقنامه فیلادلفیا»، محور فیلادلفیا آن چنان مورد توجه طرف‌های مصری و اسرائیلی قرار نگرفت. اما در اثنای جنگ طوفان الأقصى، این محور در مرز مصر با نوار غزه، به یک نقطه تنش کلامی مصر و اسرائیل تبدیل شد و قاهره و تل‌آویو بیانه‌هایی را با هم رد و بدل کردند. مصر با رد تلاش‌های اسرائیل برای کنترل امنیتی محور فیلادلفیا، هرگونه حرکت در این راستا را خط قرمز دانست که منجر به تهدید جدی برای روابط مصر و اسرائیل می‌شود. اما به دنبال عملیات طوفان الأقصى در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل برای سیطره بر این محور شروع به کار کرد و محور فیلادلفیا به یکی از مهمترین مناطق استراتژیک مورد هدف طرح اسرائیل برای منزوی کردن نوار غزه تبدیل شد. (السعيد، ۲۰۲۲)

مهمترین اقدامات و سیاست‌های مصر پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱) **محدودسازی قبایل و گروه‌های سلفی در صحرای سینا:** مصر به دلیل تهدیدات احتمالی امنیتی ناشی از فعالیت گروه‌های تندرو و سلفی در صحرای سینا، اقدامات شدیدی امنیتی و نظامی را برای محدودسازی فعالیت این قبایل و گروه‌ها آغاز کرد. این تدابیر با هدف جلوگیری از گسترش ناامنی و تهدیدات تروریستی از مرزهای غزه به داخل مصر انجام شد و شامل عملیات نظامی و ایجاد موانع امنیتی بود. (پنل خبرگی)
- ۲) **میانجی‌گری فعال در پرونده آتش‌بس و تبادل اسرا:** مصر با توجه به موقعیت جغرافیایی خود به عنوان بازیگر منطقه، نقش میانجی‌گری را در مذاکرات آتش‌بس بین اسرائیل و حماس بر عهده گرفت. این کشور تلاش کرد با استفاده از روابط دیپلماتیک و موقعیت جغرافیایی خود، توقف موقت درگیری‌ها، ایجاد زمینه‌های توافق آتش‌بس و تبادل اسرا را ممکن سازد. به این منظور، نشست‌های منطقه‌ای و تماس‌های مستقیم با رهبران طرف‌های درگیری برگزار شد و قاهره میزبانی مذاکرات مهمی را به عهده داشت. برگزاری نشست‌های منطقه‌ای و ارتباط با قدرت‌های جهانی سبب شد مصر به بازیگر کلیدی برای مدیریت بحران فلسطین-اسرائیل تبدیل شود. (پنل خبرگی)

^۱ بر اساس روش فوکوس گروپ و مصاحبه، یافته‌ها جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است.

۳) **تقویت تدابیر امنیتی مرزی و نظامی:** به دنبال حملات و تهدیدهای امنیتی، مصر مرزهای خود به خصوص گذرگاه رفح را بسیار کنترل کرد و نیروهای نظامی و امنیتی را در این مناطق افزایش داد. همچنین آموزش نیروهای ویژه برای مقابله با تهدیدات تروریستی و حفظ امنیت مرزها در دستور کار قرار گرفت تا از وقوع رخدادهای ناگهانی پیشگیری شود. در این میان ترور یک تاجر اسرائیلی (افسر بازداشت‌شده اسرائیلی) توسط فردی مصری، موجب افزایش این تدابیر گردید. (پنل خبرگی)

۴) **مخالفت با پذیرش دسته‌جمعی آوارگان فلسطینی در خاک مصر:** با وجود فشارهای آمریکا و اسرائیل برای پذیرش آوارگان فلسطینی در صحرای سینا، مصر به این مسئله به عنوان خط قرمز امنیتی نگاه کرد و مخالفت صریح خود را اعلام نمود. این موضع یکی از حساس‌ترین موضوعات امنیتی و سیاسی مصر پس از عملیات بود و به عنوان یک استراتژی حفظ ثبات داخلی و جلوگیری از بحران‌های جدید انسانی و امنیتی در نظر گرفته شد. دولت و مردم مصر این طرح را تهدیدی برای امنیت ملی و بحران‌زا می‌دانند. (پنل خبرگی)

مخالفت قاطع مصر با پذیرش دسته‌جمعی آوارگان فلسطینی به خاک این کشور، یکی از ثابت‌ترین مواضع قاهره پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بوده است. مقامات عالی‌رتبه‌ای چون رئیس‌جمهور عبدالفتاح سیسی و وزیر امور خارجه به کرات بر این موضع تأکید کرده و هرگونه مشارکت در جابجایی اجباری فلسطینیان از نوار غزه را رد کرده‌اند. (Sisi, 2023; Shoukry, 2023 as cited in Al Jazeera, 2023) هدف اصلی از جنگ را نه مبارزه با حماس، بلکه تلاش برای سوق دادن غیرنظامیان به مهاجرت به مصر دانسته و در مقابل، بر لزوم یافتن یک راه‌حل عادلانه و دائم در چارچوب «راه‌حل دوکشوری» و باقی ماندن فلسطینیان در سرزمین خود پافشاری کرده است. (Egyptian Foreign Ministry, 2023)

دلایل امنیتی، انگیزه اصلی این مخالفت بوده است. تحلیلگران امنیتی مصری هشدار داده‌اند که خروج دسته‌جمعی فلسطینیان می‌تواند به ورود شبه‌نظامیان به شبه‌جزیره سینا بینجامد و این منطقه که به تازگی به ثبات نسبی رسیده را دوباره به کانون بی‌ثباتی تبدیل کند. (Kandil, 2023) نگرانی عمیق دیگر، احتمال لغو پیمان صلح تاریخی ۱۹۷۹ با اسرائیل عنوان شده است؛ چرا که در صورت

تحقق این سناریو، سینا می‌تواند به پایگاهی برای حملات به اسرائیل تبدیل شود و بهانه لازم را برای مداخله نظامی اسرائیل در خاک مصر فراهم آورد. (Abdel Ghafar, 2023) از منظر اقتصادی نیز مصر که میزبانی حدود ۹ میلیون پناهنده و مهاجر را بر عهده دارد و با چالش‌های اقتصادی داخلی دست به گریبان است، توانایی پذیرش موج جدیدی از آوارگان را ندارد. (World Bank, 2023)

در بعد تاریخی و هویتی، این موضع ریشه در تجربه گذشته دارد. مصر با آگاهی از این تاریخچه که وقتی فلسطینیان مجبور به ترک سرزمین خود می‌شوند، اجازه بازگشت نمی‌یابند، حاضر نیست در اقدامی شریک باشد که آن را معادل پاکسازی قومی و نابودی آرمان تشکیل دولت فلسطین می‌داند. (Khalil, 2023) بنابراین، مخالفت مصر نه تنها دفاع از منافع امنیتی ملی، بلکه تلاشی برای حفظ پرونده فلسطین به عنوان محور اصلی مناقشه و ممانعت از تغییر دائمی بافت جمعیتی است که به باور آن، توازن قدرت در منطقه را برای دهه‌ها آینده به نفع اسرائیل تغییر خواهد داد. (International Crisis Group, 2023)

۵) **تلاش برای حفظ ثبات سیاسی و اقتصادی داخلی:** مصر در پی این تحولات، با هدف جلوگیری از تشدید نارضایتی‌های مردمی و بحران‌های اقتصادی، اقدام به تثبیت وضعیت داخلی از طریق توافقات مالی با سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای حامی کرد. در کنار این، تقویت اقتدار سیاسی دولت و جلوگیری از بروز ناامنی‌های داخلی نیز دنبال شد تا کشور در برابر فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی مقاومت کند. (پنل خبرگی)

۶) **بهره‌برداری مالی و اقتصادی از وضعیت منطقه:** مصر تلاش کرد با استفاده از شرایط رخ داده در نبرد طوفان الاقصی، منابع مالی و اقتصادی خود را از طریق جلب حمایت‌های بین‌المللی افزایش دهد. به طور خاص، با توجه به ترس از ناآرامی‌های داخلی و منطقه‌ای، نهادهای بین‌المللی و کشورهای قدرتمند تصمیم گرفتند کمک‌ها و وام‌های اقتصادی را برای تثبیت رژیم قاهره افزایش دهند. کشورهایمانند امارات متحده عربی نیز با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در نقاط استراتژیک مصر، از جمله رأس‌الحکمه، تلاش کردند این حمایت‌ها را تقویت کنند. این سیاست باعث شد مصر در بلندمدت کمی از آسیب‌های اقتصادی ناشی از بحران غزه و فشارهای داخلی بکاهد. در همین راستا؛ مصر

با تاسیس شرکت یاهلا و دریافت مبلغ ۵۰۰۰ دلار به ازای هر نفر از ساکنین غزه که قصد خروج از آن را داشتند، توانست درآمد قابل توجهی کسب نماید. (پنل خبرگی)

(۷) ادامه ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه: مصر علی‌رغم محدودیت‌های امنیتی، مسیر ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه را باز نگه داشت و با همکاری سازمان‌های بین‌المللی تلاش کرد حداقل نیازهای انسانی فلسطینیان در نوار غزه تأمین شود. این کمک‌رسانی برای حفظ وجهه انسانی قاهره و کاهش فشارهای منطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای داشت. این سیاست‌ها نشان‌دهنده رویکرد ترکیبی مصر در مدیریت بحران پس از ۷ اکتبر است که همزمان امنیت داخلی، منافع اقتصادی، دیپلماسی منطقه‌ای و نقش میانجی را در بر می‌گیرد و هدف آن حفظ موقعیت مصر به عنوان یک بازیگر کلیدی در تحولات خاورمیانه می‌باشد. (پنل خبرگی)

وضعیت امنیتی مصر پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ را نمی‌توان در مجموع تقویت یا تضعیف شده دانست، بلکه باید آن را یک تحول پیچیده و چندبعدی توصیف کرد که در آن، تهدیدهای امنیتی بی‌سابقه‌ای با فرصت‌های دیپلماتیک جدید درهم آمیخته است. در مجموع، می‌توان گفت اگرچه مصر از نظر جایگاه منطقه‌ای خود تقویت شده، ولی این امر در بستری از شکنندگی و افزایش بار تهدیدات محقق شده است. مصر با مجموعه‌ای از چالش‌های امنیتی فوری و مستقیم روبرو شد که ثبات داخلی و حاکمیت ملی آن را نشانه رفته است. اصلی‌ترین نگرانی، ترس از جابجایی جمعیتی فلسطینیان از نوار غزه به صحرای سینا بوده که آن را یک "خط قرمز امنیتی" می‌داند. این امر نه تنها می‌توانست توازن دموگرافیک منطقه سینا را برهم بزند، بلکه امکان ورود عناصر رادیکال و تشدید ناامنی‌های محلی را افزایش می‌داد. در پاسخ به این تهدید، مصر حضور نظامی خود در مرزهای شرقی را به طور چشمگیری تقویت کرد. علاوه بر این، گسترش درگیری‌ها، احتمال هدف قرار گرفتن خاک مصر یا حتی رهبران حماس در قاهره از سوی اسرائیل را به عنوان یک ریسک امنیتی جدید مطرح ساخت.

یکی از عمیق‌ترین تغییرات، تزلزل در بنیان‌های رابطه با اسرائیل بود. پیمان صلح ۱۹۷۹ برای دهه‌ها ستون فقرات امنیت ملی مصر محسوب می‌شد، اما اقدامات اسرائیل پس از ۷ اکتبر، این رابطه را با بحرانی بی‌سابقه مواجه کرد. بی‌اعتمادی عمیقی بین دو طرف به وجود آمد تا جایی که

رسانه‌های مصری و مقامات این کشور گاهی از اسرائیل با عنوان "دشمن" یاد کردند. این تنش‌ها حتی به عرصه اقتصادی نیز کشیده شد و قرارداد گاز ۳۵ میلیارد دلاری لویاتان با تهدید تعلیق از سوی اسرائیل روبرو گشت. در این دوره، پیمان صلح نه به عنوان یک ضمانت‌کننده امنیت، بلکه به موضوعی برای چالش و بازبینی تبدیل شد. در مقابل این تهدیدات، مصر توانست با بازیابی نقش تاریخی خود به عنوان میانجی اصلی، موقعیت منطقه‌ای خود را تقویت کند. با کنار رفتن نسبی قطر از صحنه، قاهره بار دیگر به کانون مذاکرات بین حماس و اسرائیل تبدیل شد و میزبان نشست‌های مهمی در شرم‌الشیخ و قاهره گردید. کنترل انحصاری مصر بر گذرگاه حیاتی رفح، مهم‌ترین اهرم عملیاتی آن بود و به قاهره این قدرت را داد تا نفوذ دیپلماتیک مصر را نزد شرکای غربی و منطقه خود افزایش دهد و آن را به بازیگری اجتناب‌ناپذیر تبدیل کند.

اگر وضعیت امنیتی را معادل "کاهش تهدیدات علیه حاکمیت و ثبات ملی" تعریف کنیم، باید گفت وضعیت مصر شکننده‌تر شده است، چرا که با تهدیدهای مستقیم و جدیدی مواجه گردید که پیش از این وجود نداشت. با این حال، قاهره با هوشمندی توانست این بحران امنیتی را به فرصتی برای تقویت جایگاه دیپلماتیک و نفوذ منطقه‌ای خود تبدیل کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مصر در حال حاضر در موقعیتی پارادوکسال نقش منطقه‌ای قدرتمندتر در بستری از امنیت داخلی شکننده‌تر به سر می‌برد.

۲-۴- وضعیت امنیتی اردن پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳

وضعیت امنیتی اردن پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تحت تاثیر پیچیدگی‌های منطقه‌ای و فشارهای داخلی و خارجی قرار گرفت که از ابعاد مختلف می‌توان آن را تشریح کرد:

۱- امنیتی و دفاعی:

دولت اردن با افزایش تدابیر امنیتی در مرزهای خود، به خصوص در مناطق نزدیک به کرانه باختری و مرز با سوریه، تلاش کرد از نفوذ گروه‌های مسلح و تهدیدات احتمالی ناشی از گسترش جنگ طوفان الاقصی جلوگیری کند. گزارش‌ها حاکی از سرنگونی پهپادهای حامل سلاح و عملیات بازداشت عوامل ناامن در شهرهای مختلف اردن است که بیانگر حساسیت بالا و آمادگی نیروهای امنیتی است. پس از آغاز حملات اسرائیل در غزه، اعتراضات گسترده‌ای در امان و شهرهای دیگر اردن برگزار شد که برخی به خشونت کشیده شد و دولت مجبور به مداخله شد. خواسته معترضان

شامل لغو پیمان صلح با اسرائیل و بستن سفارت این کشور بود. این تظاهرات به وسیله جریان‌های اسلام‌گرای سیاسی مانند اخوان المسلمین سازمان یافته و دولت اردن را با چالش‌های امنیتی و سیاسی جدیدی روبرو ساخت. (پنل خبرگی)

۲- سیاسی (ناشی از فشارهای منطقه‌ای):

اردن با چالش‌های سیاسی داخلی در برابر راهبردهای افزایش محبوبیت محور مقاومت و ارتباطات برخی گروه‌های فلسطینی با ایران روبرو شد. این مسئله باعث نگرانی درباره ثبات داخلی و امنیت ملی شد و دولت اردن سیاست خود را در کنترل فعالیت‌های مسلحان فلسطینی و ممانعت از افزایش نفوذ ایران شدت بخشید.

دولت اردن با وجود فشارهای داخلی و بحران‌های امنیتی تلاش کرد برخورد متعادلی در قبال اسرائیل و فلسطین داشته باشد. حفظ پیمان صلح و روابط دیپلماتیک با اسرائیل همزمان با پاسخ به خواسته‌های مردمی حمایت از فلسطین، سیاستی بغرنج اما حیاتی برای ثبات سیاسی کشور بود.

۳- اقتصادی:

جنگ غزه تأثیر منفی بر بخش گردشگری و اقتصاد اردن گذاشت. لغو پروازهای خارجی و کاهش شدید گردشگران منجر به فشار اقتصادی بر اردن شد که تأثیر مستقیمی بر وضعیت بازار کار و درآمدهای عمومی داشت.

۴- اجتماعی:

مردم اردن پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی در حمایت از فلسطینیان به خیابان‌ها آمدند و تظاهرات گسترده‌ای در شهرهای مختلف به ویژه امان برگزار کردند. این تحرکات مردمی عمدتاً با شعارهای ضد اسرائیلی و حمایت کامل از حماس همراه بود و باعث شد که بخشی از اعتراضات به خشونت کشیده شود. تظاهرات سازماندهی شده توسط گروه‌های اسلام‌گرا مانند اخوان المسلمین بود که خواستار لغو پیمان صلح با اسرائیل و بستن سفارت این کشور شدند. خیزش‌های اجتماعی در اردن در وقایعی همچون تغییر نظر مردم اردن در قبال محور مقاومت، راهپیمایی‌های منظم و ساختاریافته مردم اردن و تعطیلی موقت سفارت اسرائیل در اردن قابل مشاهده است. (جیسون و تامپسون، ۲۰۲۳)

به طور کلی، اردن پس از ۷ اکتبر شرایط امنیتی دشواری را تجربه کرد که ترکیبی از تهدیدهای نظامی، ناآرامی‌های اجتماعی و فشارهای منطقه‌ای بود. تلاش‌های دولت برای مدیریت این بحران‌ها از طریق افزایش امنیت مرزی، کنترل اعتراضات داخلی و حفظ تعادل دیپلماتیک نمایانگر پیچیدگی بحران‌های امنیتی در این کشور است که به طور مستقیم با تحولات فلسطین و منطقه مرتبط است. پس از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و آغاز تنش‌ها در منطقه، وضعیت امنیتی اردن متحول شد و این کشور با مجموعه‌ای از تهدیدات و چالش‌های داخلی و منطقه‌ای روبرو گشت. از جمله اقدامات اولویت‌دار اردن، افزایش تدابیر امنیتی در مرزها، به ویژه کرانه باختری و نزدیکی به مناطق درگیر بود تا از نفوذ گروه‌های مسلح و تهدیدهای تروریستی جلوگیری کند. همچنین، تظاهرات گسترده‌ای در امان و برخی شهرهای دیگر علیه بمباران‌های غزه و سیاست اسرائیل شکل گرفت که به مداخلات امنیتی و بازداشت‌های متعدد منجر شد. این اعتراضات عمدتاً توسط جریان‌های اسلام‌گرای سیاسی مانند اخوان المسلمین سازماندهی شده بود که برای دولت اردن چالش‌های امنیتی و سیاسی جدی ایجاد کرد. از سوی دیگر، حفظ ثبات سیاسی و تعادل دیپلماتیک میان حمایت از آرمان فلسطین و حفظ پیمان صلح با اسرائیل، از دیگر دغدغه‌های مهم دولت بود. این وضعیت پیچیده همچنین تحت تأثیر فشارهای فزاینده ایران و گروه‌های مقاومت قرار گرفت که برخی فعالیت‌های آنها در خاک اردن نشانه‌هایی از بی‌ثباتی را به همراه داشت. علاوه بر آن، پیامدهای اقتصادی ناشی از کاهش گردشگری و حملات امنیتی نیز وضعیت اردن را در شرایط دشواری قرار داد. به طور کلی، اردن پس از ۷ اکتبر وارد دورانی پرتنش و حساس شد که مدیریت این بحران‌ها نیازمند همکاری داخلی و منطقه‌ای گسترده بود. (پنل خبرگی)

در اردن نیز پیامدهای مشابه مصر، اما با ظرافت‌های خاص خود پدیدار شد؛ تظاهرات گسترده و اعتراضات مردمی علیه بمباران‌های غزه منجر به تخلیه موقت سفارت اسرائیل در امان گردید، که بیانگر فشار سیاسی و اجتماعی شدیدی بر دولت اردن بود. اردن تلاش کرد یک سیاست متعادل میان حمایت از آرمان فلسطین و حفظ روابط دیپلماتیک با اسرائیل را اتخاذ کند، اما بدین ترتیب امنیت داخلی و ثبات سیاسی این کشور تحت تأثیر منفی این بحران قرار گرفت و چالش‌های جدید امنیتی را در مرزهای خود تجربه کرد.

اردن سعی کرد با اتخاذ مواضع انتقادی در ظاهر، رضایت افکار عمومی داخلی را که عمدتاً حامی فلسطین هستند، حفظ کند، در حالی که در سطح عملی به همکاری امنیتی با اسرائیل ادامه داد. این تعادل پیچیده به اردن امکان داد ضمن حفظ پیمان صلح با اسرائیل، از بحران‌های گسترده داخلی جلوگیری کند و امنیت داخلی خود را با همکاری اطلاعاتی و نظامی حفظ نماید. علی‌رغم وابستگی اردن به آمریکا و انگلیس، ناچار است افکار مردم را در جامعه داخلی خود مد نظر بگیرد لذا برخی کمک‌ها شامل مواد غذایی را با هواپیما و چتر به اراضی اشغالی ارسال کرده است.

اقدامات و سیاست‌های اردن پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به شرح ذیل است:

- ۱- **فراخوان خدمت سربازی و افزایش آمادگی نظامی:** با توجه به وضعیت امنیتی، اردن تصمیم گرفت ظرفیت‌های نظامی خود را افزایش دهد و فراخوان خدمت سربازی را تقویت کند تا آمادگی دفاعی در برابر تهدیدات احتمالی افزایش یابد. این تصمیم بر اساس نگرانی‌های واقعی از انتقال درگیری‌ها به خاک اردن و انتشار علنی طرح اسرائیل بزرگ و احساس خطر پادشاهی اردن و همچنین نیاز به حفظ امنیت مرزها اتخاذ شد. به ویژه تهدیدات ناشی از عبور موشک‌ها و پهپادهای ایرانی از حریم هوایی اردن موجب شد تمرکز بر توان دفاعی افزایش یابد.
- ۲- **ممانعت از نفوذ گروه‌های مسلح و مقابله با مخالفان داخلی:** اردن با انجام عملیات امنیتی گسترده تلاش کرد فعالیت گروه‌های مسلح و اسلام‌گرای مخالف را محدود کرده و از نفوذ آنها در داخل کشور جلوگیری کند. این اقدامات شامل بازداشت فعالان سیاسی و امنیتی بوده که به نظر می‌رسید با گروه‌های فلسطینی مرتبط هستند و تهدیدی برای نظم داخلی قلمداد می‌شدند.
- ۳- **دیپلماسی فعال و تلاش برای جلوگیری از گسترش ناامنی‌ها:** اردن با انجام سفرهای دیپلماتیک از جمله سفر وزیر امور خارجه به ایران، تلاش کرد تنش‌های منطقه‌ای را مهار و از گسترش جنگ و ناامنی به خاک اردن جلوگیری کند. این دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی برای حفظ ثبات داخلی و کاهش فشارهای سیاسی و امنیتی واجد اهمیت بود.

۴- کنترل اعتراضات و جلوگیری از آسیب به امنیت داخلی: با وجود حمایت گسترده عمومی از فلسطین، دولت اردن تلاش کرد با کنترل اعتراضات، از تبدیل آنها به بحران امنیتی گسترده جلوگیری کند و مداخلات امنیتی برای حفظ نظم داخلی را تشدید نمود. بازداشت تظاهرکنندگان و استفاده محدود از گاز اشک‌آور از جمله این اقدامات بود.

۵- کاهش ضربه به اقتصاد و زیرساخت‌ها: به دلیل بحران‌های امنیتی و لغو پروازهای خارجی و کاهش گردشگری، اردن با چالش‌های اقتصادی مواجه شد. دولت تلاش کرد با مدیریت بحران اقتصادی و جذب کمک‌های بین‌المللی وضعیت را بهبود بخشد.

۶- تشدید کنترل‌های مرزی با همسایگان: با توجه به وقایع و کشفيات داخلی، کنترل‌های مرزی اردن با عراق، سوریه و اراضی اشغالی به لحاظ واردات تسلیحات نظامی و ابزارهای اطلاعاتی شدت پیدا کرده است.

۷- مداخله در مدیریت بحران فلسطین و حمایت از ثبات منطقه‌ای: اردن تلاش کرد با حضور در مذاکرات منطقه‌ای و همکاری با کشورهای عربی و بین‌المللی، نقش میانجی در بحران را حفظ کند. این کشور سعی نمود با آرام‌سازی فضای داخلی و کنترل ناآرامی‌ها، از گسترش بحران به داخل خاک خود جلوگیری کند و تعادل سیاسی و امنیتی را حفظ نماید. (پنل خبرگی)

این اقدامات بازتابی از تلاش دولت اردن برای حفظ ثبات داخلی، مقابله با تهدیدات امنیتی و پاسخ به مطالبه‌های مردمی در شرایط بحرانی پس از ۷ اکتبر بوده است. اردن در حالی امنیت خود را حفظ می‌کند که همزمان فشارهای زیادی از فضای داخلی و منطقه‌ای را مدیریت می‌نماید.

وضعیت امنیتی اردن پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ را باید در چارچوب یک تنش بنیادین ارزیابی کرد: از یک سو، این کشور با افزایش بی سابقه تهدیدهای داخلی و مرزی مواجه شده، و از سوی دیگر، برای حفظ مزایای راهبردی معاهده صلح با اسرائیل که ستون فقرات امنیت ملی آن برای دهه‌ها بوده، تلاش می‌کند. اصلی‌ترین و فوری‌ترین تهدید برای پادشاهی اردن، از درون این کشور نشأت گرفته است. جمعیت قابل توجهی از مردم اردن که ریشه فلسطینی دارند، همراه با دیگر شهروندان، واکنشی شدید و احساسی به جنگ غزه نشان داده‌اند. بر اساس نظرسنجی‌ها، درصد بالایی از مردم

از حماس حمایت می‌کنند و مخالفت گسترده‌ای با هرگونه رابطه با اسرائیل شکل گرفته است. این خشم عمومی به صورت برگزاری تظاهرات عظیم و متناوب در امان و دیگر شهرها خود را نشان داده که حکومت را تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار داده است. بزرگترین نگرانی دولت، اردنی سازی درگیری و شعله‌ور شدن تنش‌های قومی-سیاسی در داخل کشور است که اساس ثبات پادشاهی را به چالش می‌کشد.

این دوره شاهد آن بود که اردن دیگر یک ناظر امن در حاشیه درگیری نماند، بلکه خود به عرصه‌ای برای درگیری تبدیل شد. حملات مرزی افزایش یافت، از جمله حمله به پایگاه "تاوَر ۲۲" که منجر به کشته شدن سربازان آمریکایی شد. همچنین، یک شهروند اردنی عملیاتی را در یک پایگاه مرزی اسرائیل انجام داد که به کشته شدن دو نظامی اسرائیلی انجامید. این رویدادها نشان می‌دهد که مرزهای اردن به میدانی برای اقدامات گروه‌های نیابتی و حتی اقدامات فردی شده و امنیت آن به طور مستقیم هدف قرار گرفته است. در برابر این تهدیدات، دولت اردن به طور همزمان می‌کوشید تا منافع حیاتی ناشی از معاهده صلح با اسرائیل را حفظ کند. این منافع شامل تضمین سرپرستی بر اماکن مقدس بیت المقدس (که مشروعیت بین‌المللی و منطقه ای برای پادشاه به ارمغان می‌آورد)، دریافت منابع آب و گاز طبیعی و ایفای نقش به عنوان "حریم امن شرقی" برای اسرائیل است. لغو این معاهده، این دستاوردهای راهبردی را که به بقا و ثبات اقتصادی و امنیتی پادشاهی گره خورده است، به طور جدی به خطر می‌اندازد.

با در نظر گرفتن وضعیت امنیتی به معنای ثبات داخلی و ایمنی در برابر تهدیدهای خارجی، می‌توان نتیجه گرفت که امنیت اردن تضعیف شده است. دلیل این امر، ترکیب خطرناک فشار داخلی ناشی از افکار عمومی خشمگین و افزایش تهدیدهای مرزی مستقیم است که فضای امنیتی پیش‌بینی‌ناپذیر و پرتنش را ایجاد کرده است. با این حال، دولت اردن با درک این شکنندگی، تمام تلاش خود را به کار گرفته تا با حفظ روابط راهبردی و کنترل شدید داخلی، از بی‌ثباتی بیشتر جلوگیری کند. بنابراین، می‌توان گفت امنیت اردن در حال حاضر بیشتر در حال مدیریت بحران است تا اینکه در وضعیت پایدار یا تقویت شده قرار داشته باشد.

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

در این قسمت، یافته‌های تحقیق و پیامد اقدامات و سیاست‌های مصر و اردن در نبرد طوفان الاقصی به صورت مجزا مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۵- پیامد اقدامات و سیاست های مصر:

- **توسعه، تقویت و افزایش تسلیحات ارتش مصر:** پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، اسرائیل بارها و بارها و به طُرُق مختلف، نگرانی خود را نسبت به توسعه و تقویت ارتش مصر و افزایش تسلیحات آن اعلام کرد. این موضوع در وهله اول از سوی رسانه‌ها و مطبوعات اسرائیلی مطرح شد و رفته رفته مقامات سیاسی، امنیتی و نظامی اسرائیل نیز نسبت به آن موضع گیری کردند. این رسانه‌ها و مطبوعات، نوسازی توان ارتش مصر و پیشرفت های آن را در سالهای ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ نظارت کرده و به سیستم امنیتی تل‌آویو درباره این نیروی تحت تصرف ارتش مصر هشدار می‌دادند. (پنل خبرگی)
- **نقض معاهده کمپ دیوید از طریق وجود زیر ساخت‌های نظامی و حضور نیروها و تجهیزات ارتش مصر و کنش نظامی در صحرای سینا:** برخی از کارشناسان و مقامات امنیتی و نظامی اسرائیلی معتقدند که مصر از زمان امضای توافق صلح با اسرائیل در سال ۱۹۷۹، خود را برای جنگ آماده می‌کند و تونل‌هایی برای انبار موشک در سینا ساخته، ظرفیت انبارهای نظامی و تأسیسات ذخیره‌سازی اضطراری در سراسر کشور را دو برابر کرده و تعداد گذرگاه‌های نظامی از طریق کانال سوئز را افزایش داده و جاده‌های سریع و بزرگراه‌های منتهی به مرزهای فلسطین اشغالی را در صحرای سینا ایجاد کرده است. بر همین اساس، این ادعای اسرائیلی وجود دارد که ارتش مصر در سال‌های اخیر شاهد توسعه قابل توجهی در قدرت نظامی خود بوده است، به طوری که تعداد تانک‌ها، گردان‌ها، لشکرهای زرهی و پیاده‌نظام افزایش یافته و در کنار آن سه فرودگاه نظامی و سه ایستگاه رادار در سینا تأسیس شده است که به ادعای این رژیم، هدف آنها اسرائیل است، نه مبارزه با تروریسم. (دکّل، میدا: ۲۰۲۵/۰۴/۰۹)

- **آمادگی ارتش مصر برای مقابله با طرح کوچ اجباری فلسطینیان به سینا:** مصر از زمان نبرد طوفان الأقصى، اقدام به اعزام نیرو به شبه جزیره سینا کرد. مصر مدعی بود که از مرزهای خود محافظت می کند و ارتش خود را برای جلوگیری از شکستن حصار مرزی توسط فلسطینیان نوار غزه جهت مهاجرت مستقر کرده است. مصر به ادعاهای اسرائیلی توجهی نکرد و حتی از زمانی که ترامپ رییس جمهور آمریکا در ژانویه ۲۰۲۵، طرح خود را برای انتقال ساکنان نوار غزه به سینا اعلام کرد، نیروهای خود را در سینا افزایش داد و بر همین اساس، تنش های مصر و اسرائیل تشدید شد؛ چه در رسانه های اجتماعی و چه در بیانیه های رسمی.
- **کنش ها و اقدامات عملیاتی از صحرای سینا علیه اسرائیل:** پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، برخی کنش ها و اقدامات عملیاتی از سینا علیه اسرائیل انجام شد که ذهن صهیونیستها را شدیداً به خود مشغول کرد. به عنوان مثال، از ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۴ الی ۱۳ نوامبر ۲۰۲۴، سه پهپاد حامل سلاح از صحرای سینا به نوار غزه عبور کرد که توسط ارتش اسرائیل ساقط شد (یعنی سه پهپاد طی دو ماه). این روابط از یک طرف دیگر نیز بسیار تحت فشار قرار گرفت و آن نگرانی اسرائیل از قدرت نظامی مصر و ورود این قدرت به صحرای سینا بود. اسرائیل طی سالهای ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، بارها نسبت به قدرت نظامی مصر و ورود تجهیزات نظامی مصر به سینا هشدار داد. (אגוז, זמן ישראל: ۲۰۲۵/۰۱/۱۹)
- **افزایش همکاری و نزدیکی با ایران:** یکی از تحولات مهم پس از ۷ اکتبر، افزایش همکاری های مصر با ایران بود، به ویژه در حوزه های امنیتی و سیاسی و با هدف ایجاد گفتمانی منطقه ای علیه سیاست های تهاجمی اسرائیل و برخی کشورهای غربی. این همکاری ها به تقویت محور مقاومت در منطقه می انجامد و مصر به عنوان کشوری با موقعیت ژئوپلیتیکی کلیدی، تلاش کرد با ایران ارتباطات خود را بهبود بخشد تا در معادلات منطقه نقش پررنگ تری ایفا کند.
- **تقویت سیاست امنیتی داخلی و محدود سازی گروه های سلفی:** با توجه به افزایش احتمال تهدیدات امنیتی و ناامنی های پراکنده در صحرای سینا، مصر سیاست خود در

محدود کردن قبایل و گروه‌های سلفی این منطقه را با شدت بیشتری ادامه داد. عملیات‌های نظامی و امنیتی گسترده‌ای برای جلوگیری از نفوذ گروه‌های تروریستی به خاک مصر و حفظ ثبات داخلی دستور کار قاهره بود. (صادقی، ۱۴۰۲)

۲-۵- پیامد اقدامات و سیاست‌های اردن:

- **تشدید همکاری‌های امنیتی اردن و اسرائیل علیه تهدیدات مشترک:** با وجود مواضع رسمی و علنی انتقادی نسبت به اسرائیل، اردن در پشت صحنه همکاری امنیتی عمیق و گسترده‌ای با اسرائیل داشت. این همکاری شامل تبادل اطلاعات امنیتی، مشارکت در رهگیری پهپادها و موشک‌هایی بود که از سوی ایران و نیروهای مقاومت به سمت اسرائیل پرتاب می‌شدند. جلسات محرمانه و نشست‌های مشترکی بین مقامات امنیتی و نظامی دو طرف برگزار شد که هدف آن مقابله با تهدیدات منطقه‌ای از جمله نفوذ ایران و گروه‌های مسلح بود. همچنین اردن در هماهنگی با آمریکا نقش کلیدی در جلوگیری از ارسال سلاح به کرانه باختری و حمایت از سیاست‌های امنیتی اسرائیل ایفا کرد. با توجه به استمرار خیزش‌های اجتماعی، سرویس اطلاعاتی اردن با همکاری سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، خیزش‌ها و تجمعات مردمی در اردن را سرکوب کردند.
- **افزایش آمادگی نظامی و امنیتی داخلی و مرزی:** به منظور مقابله با تهدیدات ناشی از گسترش درگیری‌ها و تقویت توان دفاعی، اردن تدابیر امنیتی خود را در مرزها و داخل کشور افزایش داد که شامل آماده‌باش نظامی، افزایش نیروهای امنیتی و کنترل بیشتر حرکت‌های مشکوک بود. این اقدام برای پیشگیری از نفوذ گروه‌های مسلح و کنترل اعتراضات مردمی صورت گرفت. کشف کارگاه تولید موشک در خاک اردن و اقدام عملیاتی برای ترور افسران مرزی اسرائیل در مرز اردن از جمله وقایعی بود که اردن را به فکر افزایش آمادگی نظامی و امنیتی داخلی و مرزی انداخته است. به همین سبب اسرائیل به سرویس اطلاعاتی اردن هشدار داد که اگر امنیت اتباع ما تامین نشود، اسرائیل به شدت با شما برخورد خواهد کرد.

- **مشارکت در برنامه‌های منطقه‌ای ضد نفوذ ایران:** اردن به عنوان عضوی فعال در ائتلاف‌های منطقه‌ای، در رزمایش‌ها و عملیات مشترک برای مهار نفوذ ایران و محور مقاومت در منطقه مشارکت کرد. این فعالیت‌ها شامل تبادل اطلاعات، گسترش همکاری‌های نظامی و افزایش نیروهای دفاع منطقه‌ای بود که با حمایت آمریکا انجام شد. (الحسینی، ۲۰۲۲)
 - **تثبیت همکاری‌ها و روابط اقتصادی اردن و اسرائیل:** علی‌رغم وقایع داخلی در اردن و ابهامات اساسی افکار عمومی در این کشور در قبال اسرائیل، اما با توجه به وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی اردن به اسرائیل، همچنان روابط اقتصادی میان این دو برقرار بوده و خدشه‌ای به آن وارد نشده است.
- این سیاست‌ها نمایانگر مواجهه اردن با چالش‌های امنیتی پس از عملیات ۷ اکتبر است که در عین پاسخ به خواسته‌های مردم، تلاش برای حفظ امنیت و ثبات منطقه‌ای و همکاری با اسرائیل و آمریکا محور سیاست داخلی و خارجی این کشور قرار گرفته است. اردن در این مسیر با پیچیدگی‌های سیاسی و امنیتی خاصی در صحنه منطقه و داخلی روبرو است که مدیریت آن نیازمند هوشمندی و دیپلماسی فعال می‌باشد. (السعيد، ۲۰۲۲)

نتیجه‌گیری

بررسی پاسخ مصر و اردن به بحران ناشی از جنگ غزه، نشان می‌دهد که این دو متحد سنتی، الگوهای متفاوتی در تطبیق سیاست‌های امنیتی خود اتخاذ کرده‌اند. درحالی که مصر دست به یک بازنگری چندسطحی در رویکرد خود زده، اردن عمدتاً بر مدیریت بحران در سطح تاکتیکی متمرکز بوده و از هرگونه تغییر راهبردی عمده اجتناب کرده است.

سیاست امنیتی مصر در پاسخ به این بحران، از پویایی و تحول عمیق‌تری برخوردار بوده است. مهم‌ترین تغییر راهبردی مصر، عبور از رد مطلق به سوی پذیرش مشروط استقرار یک نیروی بین‌المللی در نوار غزه بود. این تغییر موضع نشان‌دهنده یک بازاندیشی اساسی در درک این کشور از توازن امنیتی منطقه و نقش آینده‌اش در مدیریت مساله فلسطین است. علاوه بر این، نشانه‌هایی از یک ارزیابی مجدد در روابط خارجی، از جمله تلاش برای تنوع بخشیدن به شرکای منطقه‌ای و

نزدیکی محتاطانه به محور مقاومت (مانند بهبود روابط با ایران) مشاهده شد که در صورت تداوم، می‌تواند بیانگر یک تغییر راهبردی بزرگتر باشد. در سطح عملیاتی نیز مصر فعالانه عمل کرد. ارائه یک طرح امنیتی مشخص برای روز پس از جنگ و اقدام به آموزش و آماده‌سازی هزاران نیروی امنیتی فلسطینی، نشان از یک برنامه عملیاتی نوین داشت. این اقدام نشان می‌داد که قاهره به صورت پیش‌دستانه در حال برنامه‌ریزی برای ایفای نقشی مستقیم و ملموس در تثبیت امنیت داخلی غزه پس از جنگ است تا از ایجاد خلأ امنیتی که می‌تواند تهدیدی برای امنیت ملی‌اش باشد، جلوگیری کند. در سطح تاکتیکی پاسخ‌های فوری مصر شامل اعلام وضعیت فوق‌العاده، افزایش آماده‌باش و استقرار گسترده نیروهای نظامی در شبه‌جزیره سینا و مرز با غزه و نیز صدور هشدارهای شدید به اسرائیل مبنی بر عواقب امنیتی هرگونه عملیات در شهر مرزی رفح بود. این اقدامات، واکنش‌های تاکتیکی ضروری برای مقابله با تهدیدات امنیتی فوری به شمار می‌روند.

در مقابل، سیاست امنیتی اردن عمدتاً در چارچوب حفظ وضع موجود و مهار بحران تعریف شده است. در سطح راهبردی بارزترین ویژگی رویکرد اردن، اجتناب آگاهانه از هرگونه تغییر راهبردی بود. علیرغم خشم گسترده عمومی و افزایش بی‌سابقه حمایت از حماس در میان شهروندان، پادشاهی اردن پایبندی خود به معاهده صلح ۱۹۹۴ با اسرائیل را حفظ کرد. دلیل این امر، وابستگی حیاتی ثبات و امنیت ملی اردن به مزایای این پیمان، از جمله سرپرستی اماکن مقدس بیت‌المقدس، تضمین دسترسی به منابع آب و گاز و نقش شناخته‌شده آن به عنوان یک عامل ثبات‌ساز در نظم امنیتی منطقه بود. در سطح تاکتیکی دولت برای مهار فشارهای ناشی از بحران، مجبور به اتخاذ اقدامات تاکتیکی متعددی شد. این اقدامات شامل فراخوانی سفیر از تل‌آویو به عنوان اقدامی نمادین برای آرام کردن افکار عمومی خشمگین، سرکوب و کنترل دقیق تظاهرات گسترده ضد اسرائیلی برای جلوگیری از بی‌ثباتی داخلی و همچنین تقویت عملیات‌های امنیتی در مرزهای شرقی (با عراق و سوریه) برای مقابله با قاچاق سلاح و نفوذ گروه‌های شبه‌نظامی بود.

به طور خلاصه می‌توان نتیجه گرفت؛ این بحران برای مصر محرکی جهت بازتعریف نقش امنیتی خود در منطقه بوده که منجر به تغییراتی در سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی شده است. در مقابل، برای اردن، این بحران عمدتاً یک تهدید برای ثبات داخلی و دستاوردهای راهبردی

موجود محسوب می‌شود؛ در نتیجه، سیاست این کشور بر حفظ وضعیت راهبردی موجود و مدیریت اثرات بحران از طریق اقدامات و تنظیمات تاکتیکی متمرکز شده است.

مطالعه حاضر با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر چارچوب نظری امنیت منطقه‌ای باری بوزان، پیامدهای عملیات طوفان الاقصی را بر وضعیت امنیتی دو کشور مصر و اردن به‌عنوان بازیگران پیرامونی منازعه فلسطین-رژیم صهیونیستی بررسی کرد. تحلیل کیفی داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های میدانی با کارشناسان امنیتی، نشان داد که این عملیات منجر به تغییرات عمیق و گسترده‌ای در ابعاد امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این دو کشور شد.

این تغییرات نه تنها عرصه‌های داخلی این کشورها را متأثر ساخت بلکه به بازتعریف معادلات امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه نیز انجامید. از منظر ابعاد امنیتی و دفاعی، مصر و اردن با تشدید تدابیر مرزی، افزایش آمادگی نظامی و مقابله با تهدیدات گروه‌های مسلح مواجه شدند؛ به‌ویژه افزایش همکاری‌های امنیتی میان این دو کشور و همچنین با رژیم صهیونیستی در چارچوب تعادل شکننده منطقه، نشان‌دهنده تحولات پیچیده امنیتی پس از عملیات است. (محمدی و همکاران، ۱۴۰۳)

در بعد سیاسی، فشارهای داخلی ناشی از اعتراضات مردمی و تحولات منطقه‌ای باعث شد هر دو کشور سیاست‌های متعادلی را برای حفظ ثبات داخلی و روابط دیپلماتیک اعمال کنند؛ سیاست‌هایی که در عین پاسخ‌دهی به مطالبات مردمی بر حمایت از آرمان فلسطین، بر ضرورت حفظ پیمان‌های امنیتی نیز تأکید داشت. بعد اقتصادی تحت تأثیر کاهش گردشگری، اختلالات تجاری و فشارهای ناشی از بحران امنیتی قرار گرفت و تدابیر مدیریتی برای کنترل تبعات اقتصادی به کار گرفته شد تا از تضعیف بیشتر ثبات داخلی جلوگیری شود. نهایتاً در بعد اجتماعی، خیزش‌ها و اعتراضات خیابانی که عمدتاً با محوریت حمایت از فلسطین صورت گرفت، نشان‌دهنده تأثیر مستقیم تحولات منطقه بر فضای داخلی این دو کشور بود که مدیریت آن نیازمند هوشمندی و تعامل گسترده سیاسی-امنیتی بود.

این نتایج به وضوح تأیید می‌کنند که عملیات ۷ اکتبر نه تنها یک رخداد نظامی، بلکه نقطه عطفی در بازتعریف سیاست‌ها و استراتژی‌های امنیتی کشورهای پیرامونی منازعه فلسطین-اسرائیل بوده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل محتوا، مصاحبه‌های تخصصی و فوکوس‌گروپ، توانست لایه‌های پنهان و پیامدهای پیچیده این تحولات را به صورت جامع و

نظام‌مند استخراج کند، که می‌تواند مبنای مستحکمی برای تدوین سیاست‌های راهبردی و امنیتی منطقه‌ای در سطح عالی ارائه دهد. همچنین، مطالبه می‌شود تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران منطقه‌ای ضمن توجه به این نتایج، به تقویت همکاری‌ها و توسعه راهکارهای چندبعدی برای مقابله با چالش‌های امنیتی نوظهور اهتمام ورزند تا ثبات و امنیت پایدار منطقه‌ای حفظ گردد.

فهرست منابع

- بحرینی، علی؛ خاقانی اصفهانی، مهدی و روحانی مقدم، محمد (۱۴۰۳). مشروعیت حضور نظامی ایران در غرب آسیا و مبارزه با تروریسم افراطگرایانه مذهبی، امنیت ملی، ۱۴ (۵۲)، ۲۳۳-۲۵۶.
- صادقی، سیدمصطفی (۱۴۰۲). نقش محور مقاومت در پایداری امنیتی غرب آسیا. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- قادر کنگاوری، روحالله (۱۴۰۳). دیپلماسی پنهان دفاعی-امنیتی و نظم جدید مبتنی بر «کنسرت مقاومت اسلامی» در غرب آسیا. سیاست دفاعی، ۳۳ (۱۲۷)، ۲۱۷-۲۴۴.
- محمدی، شهرام؛ جعفری پابندی، سید فرشید و خوشخطی، مهدی (۱۴۰۳). بررسی تحلیلی تطبیقی ترتیبات امنیتی غرب آسیا و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران از منظر مکتب کپنهاگ، مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران، ۳ (۱۱)، ۲۰۰-۲۱۹.
- نادری، علی اکبر (۱۴۰۲). پیشران‌های عملیات طوفان الاقصی با تأمل در ریشه واقعی بحران فلسطین. هشتمین همایش بین‌المللی مدیریت.
- الحسینی، سیدعباس (۲۰۲۲). السياسة الإيرانية في الشرق الأوسط: بين الممانعة والتعاون. دار المعرفة.
- السعيد، عبدالرحمن (۲۰۲۲). الدور المصري في إدارة الأزمات الإقليمية. مركز الدراسات السياسية العربية.
- العويني، محمد (۲۰۲۳). الصراع الفلسطيني الإسرائيلي: أبعاده الإقليمية والدولية. دار النهضة العربية.
- Buzan, B., & Wæver, O. (2003). Regions and Powers: The Structure of International Security. Cambridge University Press.
- Indyk, M. (2023). Analysis of the October 7 Operation and its Impact on Regional Security Dynamics. Foreign Affairs.
- Al-Sayed, A.K., & Al-Nasser, F.M. (2023). Security Paradigm Shifts in Post-October 7 Middle East. Journal of Security Studies.
- Johnson, D. L., & Thompson, E. R. (2023). Economic impact of Operation Al-Aqsa Storm on regional stability. Journal of Economic Policy.
- Abdel Ghafar, A. (2023). The Sinai Dilemma: Egypt's Red Line on Gaza Displacement. Carnegie Endowment for International Peace.
- Al Jazeera. (2023). Egyptian President Sisi warns of 'dire consequences' over Palestinian displacement.
- Egyptian Foreign Ministry. (2023). Official statements on the Gaza crisis.
- International Crisis Group. (2023). Preventing a Regional Conflagration: The Gaza War and Its Aftermath.
- Kandil, H. (2023). Security Imperatives in Egypt's Gaza Policy. Egyptian Institute for Studies.

Khalil, A. (2023). The Historical Weight of Displacement in Egyptian Foreign Policy.

Shoukry, S. (2023). Press conference remarks at the Cairo Peace Summit.

Sisi, A. F. (2023). Speech at the "Peace for Gaza" Summit.

World Bank. (2023). Economic Outlook for the Arab Republic of Egypt.

דקל, אלי. אלי דקל: "מצרים מתכוננת למלחמה הבאה עם ישראל מאז חתימת

מידה (mida.org.il), 2025/04/09.

אגוזי, אריה. לפקוח עין על מצרים, 2025/01/19, זמן ישראל.